

خدا جون سلام به روی ماهت...

یادداشت‌های یک مرغ

۷ نمایشنامه‌ی ۱۰ دقیقه‌ای برای بچه‌ها



ناشر خیلی متفاوت کتاب‌های کودک و نوجوان!

یادداشت‌های یک مرغ

۷ نمایشنامه‌ی ۱۰ دقیقه‌ای برای بچه‌ها

کارلین گریفیث | محمدجواد کشوری

سرشناسه: گریفیث، کارلین

Griffith, Carlene

عنوان و نام پدیدآور: یادداشت‌های یک مرغ: ۷ نمایشنامه‌ی ۱۰ دقیقه‌ای برای بچه‌ها/ نویسنده: کارلین گریفیث؛ مترجم: محمدجواد کشوری. مشخصات نشر: تهران: انتشارات پرتقال، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ۱۸۸ ص: ۵/۱۴×۲۱/۵ س.م.

فروست: یادداشت‌های یک مرغ

شابک: ۳-۲۱۳-۲۷۴-۶۲۲-۹۷۸

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: عنوان اصلی: 2# 10-Minute Plays for Kids of All Ages

عنوان گسترده: هفت نمایشنامه‌ی ددقیقه‌ای برای بچه‌ها

موضوع: نمایشنامه‌ی آمریکایی-- قرن ۲۰ م.

موضوع: American drama -- 20th century

موضوع: نمایشنامه‌ی کودکان (آمریکایی)

موضوع: Children's plays, American

شناسه‌ی افزوده: کشوری، محمدجواد، ۱۳۶۶، مترجم

ردیبنده‌ی کنگره: PS۳۵۳۷

ردیبنده‌ی دیویی: ۸۱۳/۵۲

شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۸۴۴۴۶۳

۷۰،۲۱۹۰۱



انتشارات پرتقال

یادداشت‌های یک مرغ: ۷ نمایشنامه‌ی ۱۰ دقیقه‌ای برای بچه‌ها

نویسنده: کارلین گریفیث

مترجم: محمدجواد کشوری

ناظر محتوایی: آزاده کامیار

ویراستار ادبی: آهو الوند

ویراستار فنی: زهرا فرهادی‌مهر

طراح جلد نسخه‌ی فارسی: نیلوفر مرادی

آماده‌سازی و صفحه‌آرایی: شهرزاد شاه‌حسینی - عاطفه قلیچ‌خانی

مشاور فنی چاپ: حسن مستقیمی

شابک: ۳-۲۱۳-۲۷۴-۶۲۲-۹۷۸

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۱

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: ایماژ

قیمت: ۷۳۰۰۰ تومان



۳۰۰۰۶۳۵۶۴



۰۲۱-۶۳۵۶۴



www.porthaal.com



kids@porthaal.com

تقدیم به مریبان نئاتر؛ آن‌ها که مشتاقانه کار می‌کنند
تا تخیل را در قلب هنرجوهایشان زنده کنند.
یادداشت‌های یک مرغ تقدیم می‌شود به یاد و خاطره‌ی مهربانان؛ خانم پی.
و تامپر
ک.گ

ترجمه‌ی این کتاب را به بهترین دوست و هم‌سفرم، هم‌سرم، تقدیم می‌کنم.
م.ج.ک



10-MINUTE PLAYS FOR KIDS OF ALL AGES #2

Copyright © 2016 by Carlene Griffith

بر اساس قوانین بین‌المللی، حق انحصاری انتشار (Copyright)
کتاب 10-MINUTE PLAYS FOR KIDS OF ALL AGES #2
به زبان فارسی در سراسر دنیا متعلق به نشر پرتقال است.



آزمون ابر قهرمانے

چند ابر قهرمان برای پیوستن به گروه
بهترین‌ها به آزمونی دعوت شده‌اند. آن‌ها
منتظرند نوبتشان شود، اما خبر ندارند
آزمونشان از همین حالا در حال اجراست.



آزمون ابرقهرمانی

فهرست شخصیت‌ها:

(پنج بازیگر، هشت سال به بالا)

سانی پرتوی: می‌تواند نورهای شدید بتاباند.
تَنِر^۱ چابک: سرعتش فوق‌العاده است.
هیپنوتام: قدرت هیپنوتیزم و کنترل ذهن دارد.
مخفی‌مَن: توانایی استتار و مخفی شدن دارد.
ژنرال هَدیت^۲: نظامی

صحنه:

مکان این اجرای تک‌پرده‌ای یک اتاق انتظار ساده است. تقریباً در هر جایی قابل اجراست؛ نمایشی ساده که حتی در سفر هم می‌شود اجراش کرد.

فهرست وسایل صحنه:

- صندلی تاشو
- کلاه‌خود

چند نکته:

این نمایش طنز تک‌پرده‌ای را اولین بار برای علاقه‌مند کردن بقیه‌ی دانش‌آموزان به کلاس‌های نمایش اجرا کردیم. خیلی ساده در جلسه‌های کوتاه قابل اجراست و اگر با توجه و انرژی اجراش کنید، واکنش‌های خوبی دریافت می‌کنید.

1. Tanner

2. Haddit

صحنه‌ی اول

اتاق آزمون خالی

مخفی من وارد می‌شود.

مخفی من:

(به اطراف نگاه می‌کند.) خوب شد اول از همه رسیدم. می‌دونم چی کار کنم. خودم رو مخفی می‌کنم و صبر می‌کنم ببینم رقیب‌هام کی‌آن. (حالتی به خودش می‌گیرد تا با محیط هم‌شکل و هم‌رنگ شود.)

تنر چابک:

(سریع وارد صحنه می‌شود و به ساعتش نگاه می‌کند.) آخیش، خوبه، دیر نکردم. انگار اولین نفرم. (حشره‌ای را کف زمین می‌بیند. چندشش می‌شود و با کفش می‌کوبد رویش.) این هم از این. عُق...
حالم از حشره‌ها به هم می‌خوره.

هیپنوتام وارد می‌شود.

هیپنوتام:

(تنر چابک را می‌بیند. او هم متوجهش می‌شود. به هم خیره می‌شوند. هیپنوتام دور او می‌چرخد و ذهنش را می‌خواند.)
آهان، می‌خوای بدونی من چه قدرتی دارم، درسته؟ همین الان دارم ازش استفاده می‌کنم! به چشم‌هام دقت کن! (دستاش را مقابل چشم‌های تنر چابک تکان می‌دهد.)

تنر چابک تلاش می‌کند نگاهش را از او بگیرد اما نمی‌تواند. سانی پرتوی وارد می‌شود.

سانی پرتوی:

(با پرتوهای خورشیدی اش وارد می شود. نور او چشم هیپنوتام را می زند،
ترنر چابک را بیدار می کند و باعث می شود همه مخفی من را ببینند.)
سلام به همگی! دیر رسیدم به آزمون؟ (همه به خاطر پرتوهایش
چشم هایشان را بسته اند.)

مخفی من:

(وقتی می فهمد همه او را دیده اند به بقیه ملحق می شود.) من اول از
همه رسیدم.

ترنر چابک:

(به هیپنوتام) داشتی با من چی کار می کردی؟ واسه چی؟ (با
خشم به هیپنوتام اشاره می کند.) دیگه تکرار نشه. (سرش را تکان
می دهد.)

هیپنوتام:

(به ترنر چابک) حالا! (به سانی پرتوی) نه، برق برقی. دیر
نکرده ای.

مخفی من:

می شه یه لحظه نورافشانی ت رو تموم کنی؟ پوستمون
سوخت بابا.

سانی پرتوی:

(چند دکمه را روی گردنبندش فشار می دهد.) ای وای! ببخشید،
الان تموم شد.

همه راحت می شوند و می توانند ببینند. ایستاده اند و لحظه هایی
را در سکوت می گذرانند. منتظرند ببینند بعد چه اتفاقی می افتد.

ترنر چابک:

گمونم همین چند نفریم.

سانی پرتوی:

کس دیگه ای رو نمی بینم.

ژنرال هدیت:

(وارد می شود. یک تخته شاسی در دست دارد.) افراد، توجه.

ابرقهرمان ها به هم نگاه می کنند. تردید دارند که باید احترام نظامی
بگذارند یا نه. ترنر چابک و مخفی من احترام نظامی می گذارند.

سانی پرتوی دست تکان می دهد. هیپنوتام دست به سینه می ایستد.
او به هیچ کس احترام نظامی نمی گذارد.

ژنرال هدیت: اوممم... درسته. آژاااا. (تتر و مخفی من راحت می ایستند.) به
من می گن ژنرال هدیت. بی اعصابم شدید! گرفتید؟ یعنی
شوخی ندارم. ابرقهرمان ها مفهومه؟

همه به نشانه‌ی تأیید سر تکان می دهند.

ژنرال هدیت: اسم هرکس رو می خونم دستش رو بیره بالا. سانی
پرتوی.

سانی پرتوی: حاضر.

ژنرال هدیت: تتر چابک.

تتر چابک: حاضر.

ژنرال هدیت: مخفی من.

مخفی من: حاضر.

ژنرال هدیت: هیپو، تام!

هیپنوتام: هیپنوتام، آقا. مثل هیپنوتیزم.

ژنرال هدیت: هیپنوتام!

هیپنوتام: حاضر.

ژنرال هدیت: پسر حشره‌ای. (به اطراف نگاه می کند.) پسر حشره‌ای؟ کسی یه

حشره‌ی سبز کوچک ندیده؟

تتر چابک: (شرمگین) شاید... (پایش را بلند می کند تا کف کفشش را به ژنرال

نشان دهد.)

ژنرال هدیت: واقعاً که... (چیزی روی تخته شاسی اش می نویسد).

همه از تر چابک بدشان می آید.

ژنرال هدیت: ممنون که سر وقت اومدین. همون طور که می دونین قصد داریم یه عضو جدید اضافه کنیم به گروه منتخبان!... (فکر می کند و مخفی من را زیر نظر می گیرد.) بابا به من چه.

مخفی من: چی به من چه؟

ژنرال هدیت: گروه!... بابا به من چه.

مخفی من: خب من که چیزی نگفتم!

همه سر تکان می دهند.

ژنرال هدیت: گفتم گروه منتخبان «! بابا به من چه».

مخفی من: آهان!

سانی پرتوی: حالا این گروه منتخبان «! بابا به من چه» یعنی چی؟

همه به همدیگر نگاه می کنند و سر تکان می دهند.

ژنرال هدیت: اتحاد بین المللی ابرقهرمان ها برای امداد به همه ی مردم

نیازمند چهارگوشه ی هستی. (همه خیره شده اند.) مخففش می شه «! بابا به من چه».

همه می پذیرند.